

بررسی شرایط و آثار معامله اتهام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی*

- فاطمه حصارپولادی^۱
- مهین سبحانی^۲
- مجتبی جانی‌پور^۳

چکیده

معامله اتهام، یکی از نهادهایی است که در برابر بزهکاران در کشورهای تابع نظام کامن‌لا و بعضاً نظام حقوقی نوشته مورد استفاده قرار می‌گیرد و بدین معناست که دادستان و متهم بر سر پذیرش اتهام، تغییر عنوان اتهامی و حتی حذف برخی از عناوین اتهامی توافق می‌نمایند. این نهاد مهم ابتدا در کشور آمریکا تأسیس گردید و سپس از آنجا به دیگر کشورها و نظام‌های حقوقی گسترش یافت. به دنبال تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، این محاکم نیز به تدریج به سمت استفاده از این نهاد برآمدند؛ به طوری که دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی اولین دادگاه کیفری بین‌المللی است که از این نهاد در جهت حل برخی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۴/۸ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۴.

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی (ffouladi22@gmail.com).

۲. استادیار دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول) (mahin_sobhani@yahoo.com).

۳. استادیار دانشگاه گیلان (janipour@guilan.ac.ir).

پرونده‌ها استفاده نموده است و در پی آن سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نیز از آن استقبال نمودند. در نهایت دیوان کیفری بین‌المللی هم به طور ضمنی به این نهاد در اساسنامه خود اشاره نموده است. با توجه به استقبال از این نهاد در محاکم کیفری بین‌المللی به ویژه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا، هیئت‌های ویژه‌تی مور شرقی و دیوان کیفری بین‌المللی، ضمن بررسی رویه قضایی و اسناد بین‌المللی موجود، آثار و شرایط استفاده از این نهاد جهت کشف و اثبات جرایم ارتكابی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: معامله اتهام، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، هیئت‌های ویژه‌تی مور شرقی، دیوان کیفری بین‌المللی.

مقدمه

معامله اتهام، یکی از نهادهایی است که در برابر بزهکاران در کشورهای تابع نظام کامن‌لا و بعضاً نظام حقوقی نوشته مورد استفاده قرار می‌گیرد و به معنای هر توافقی در پرونده کیفری میان متهم و دادستان است که به موجب آن، متهم اتهام وارده را می‌پذیرد و در مقابل نیز دادستان متعهد به تبرئه متهم یا تخفیف در تعیین مجازات وی می‌شود. بدین ترتیب طی این فرایند، دادستان و متهم صراحتاً در رابطه با مزایای اعطایی به متهم معامله می‌نمایند (عباسیان و عالیپور، ۱۳۹۴: ش ۷۰۲/۲). این مزیت می‌تواند در رابطه با میزان مجازات متهم و یا نوع و تعداد اتهام‌های متهم باشد که نوع اول با عنوان «معامله مجازات»^۱ و نوع دوم با عنوان «معامله اتهام»^۲ به معنای خاص کلمه شناخته می‌شود. در معامله مجازات، متهم و دادستان در رابطه با جرایم ارتكابی به توافق می‌رسند و درباره میزان مجازات مذاکره می‌نمایند که در صورت توافق بر سر میزان مجازات، دادستان پیشنهاد محکومیت متهم به میزان مجازات‌های کمتر را به دادگاه می‌دهد. در حالی که در معامله اتهام، دادستان از ایراد اتهام‌های خاصی صرف نظر می‌نماید یا آن‌ها را تبدیل به اتهام‌های مناسب‌تری می‌نماید تا در نهایت مجازات کمتری متوجه متهم شود (Drumbl, 2007: 164).

معامله اتهام به معنای قرارداد بین دو طرف دادستان و متهم یا وکیل مدافع وی، در

1. Sentence bargaining.
2. Charge bargaining.

واقع یک پیش‌نویس قرارداد است و باید به تأیید طرف سوم یعنی دادگاه برسد. تأیید دادگاه یک تأیید صوری نیست، از این رو یکی از وظایف دادگاه در بررسی قرارداد این است که اقرار به جرم از سوی متهم آگاهانه و ارادی باشد. در غیر این صورت دادگاه برای قرارداد ناشی از تهدید و اجبار، اعتباری قائل نمی‌شود (جانی‌پور، ۱۳۹۶: ۸۲۷). دلایل متعددی برای استفاده از معامله اتهام در نظام‌های قضایی ملی وجود دارد، اما مهم‌ترین دلایل استفاده از آن، تسریع رسیدگی‌ها، صرفه‌جویی در منابع مالی، اقرار و پذیرش جرم ارتكابی و اظهار ندامت از سوی متهم است که منجر به تشفی خاطر قربانیان می‌شود (Nicol LLB, 2016: 34-38; Kovarovic, 2011: 295-296). در عین حال طی این معامله، اراده متهمان هم به رسمیت شناخته می‌شود و عدالت کیفری از حالت یک‌سویه و تحمیلی آن خارج می‌شود. ارائه چنین فرصتی به متهمان باعث می‌شود که آن‌ها فرصت بازگویی دلایل ارتكاب جرم و پذیرش مجرمیت و اظهار پشیمانی داشته باشند (عباسیان و عالیپور، ۱۳۹۴: ش ۷۰۴/۲-۷۰۵). مخالفان نیز به دلایل مختلفی مانند ایجاد فشار بر متهمان بعضاً بی‌گناه جهت پذیرش اتهام‌های وارده، نقض حقوق متهمان در برخورداری از یک دادرسی عادلانه، اعطای آزادی عمل بیش از حد به دادستان، اعمال مجازات‌های نامتناسب با شدت جرایم ارتكابی، کتمان حقیقت جرایم ارتكابی و نهایتاً نقض حقوق قربانیان استناد می‌نمایند (Nicol LLB, 2016: 12-34).

خاستگاه معامله اتهام، حقوق جزای ایالات متحده آمریکا است^۱ و اکنون تقریباً در تمام کشورهای کاملاً وجود دارد و حتی به برخی از کشورهای حقوق‌نویسته هم رخنه پیدا کرده است (Drumbl, 2007: 164; Sungi, 2015: 23).^۲ علاوه بر ایالات متحده

۱. معامله اتهام نخستین بار در ایالات متحده آمریکا طی سال‌های ۱۷۸۰-۱۹۰۰ در ایالت ماساچوست مورد استفاده قرار گرفت. از این نهاد ابتدا برای تعقیب جرائم فاقد قربانی مانند فروش مشروبات الکلی بدون مجوز استفاده می‌شد، اما بعدها به سایر جرائم حتی قتل عمد هم تسری یافت (Sungi, 2015: 23-24). در حال حاضر، شرایط پذیرش معامله اتهام در ماده ۱۱ قواعد آیین دادرسی کیفری فدرال ایالات متحده آمریکا (Federal Rules of Criminal Procedure) مشخص شده‌اند. بر طبق آمار موجود، حدود ۹۵ درصد پرونده‌های کیفری در دادگاه‌های فدرال ایالات متحده به وسیله معامله اتهام حل و فصل می‌شوند (قریشی محمدی و مؤمنی، ۱۳۹۵: ش ۱۲۸/۷).

۲. برای اطلاع از نظرات مختلف درباره خاستگاه نهاد معامله اتهام ر.ک: همان: ۱۲۸-۱۲۹؛ مرادی و موسوی مجاب و عدالت‌جو، ۱۳۹۰: ش ۱۴/۱۲۴-۱۲۶.

آمریکا، درصد عمده‌ای از متهمان در دادگاه‌های کشورهای کامن‌لا مانند انگلستان، کانادا و... از معامله اتهام استفاده می‌نمایند. در تمام کشورهای مذکور، در صورت معامله اتهام اجازه تخفیف مجازات وجود دارد، اما در انگلستان و ولز، تخفیف مجازات در ازای معامله اتهام جنبه آمرانه و تکلیفی یافته است (Davies, 2002: 9, 38).

در ابتدا تصور بر این بود که به دلیل شدت جرایم بین‌المللی، امکان معامله اتهام نسبت به این جرایم وجود ندارد. مخالفان معامله اتهام معتقد بودند که با محاکمه متهمان به جرایم بین‌المللی، صدای قربانیان شنیده می‌شود و این امر منجر به تشقی خاطر قربانیان و اجرای عدالت و تحقق صلح پایدار خواهد شد. همچنین استفاده از معامله اتهام، مغایر اجرای عدالت و نظریه‌های سزاگرایانه است؛ زیرا به موجب این نظریه‌ها، متهم با توجه به شدت جرم ارتكابی مستحق مجازات است (Drumbl, 2007: 165-169; Kovarovic, 2011: 299-300). برخی نیز به رغم پذیرش معامله مجازات، مخالف سرسخت معامله اتهام به معنای خاص کلمه در حقوق کیفری بین‌المللی هستند؛ زیرا آن را مغایر کشف حقایق جرایم ارتكابی می‌دانند (Burens & Haag, 2013: 332). به همین دلیل در ابتدای تأسیس دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون چنین نهادی در اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله آن‌ها پیش‌بینی نشده بود. اما به تدریج برخی ملاحظات، سبب ورود این نهاد به عرصه حقوق کیفری بین‌المللی شد؛ ملاحظاتی مانند اقرار داوطلبانه متهمان و پذیرش مسئولیت جرایم ارتكابی، افزایش احتمال تحقق صلح و سازش، حمایت از قربانیان و به ویژه صرفه‌جویی در منابع دادگاه باعث شد که محاکم کیفری بین‌المللی هم به تدریج از این نهاد استقبال نمایند (Prosecutor v. Paul Bisengimana, 2006: paras. 126-139).^۱

به رغم عدم پیش‌بینی معامله اتهام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی نسل اول یعنی دادگاه نورمبرگ و توکیو، در حال حاضر در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا و هیئت‌های ویژه تی‌مور شرقی و دیوان کیفری بین‌المللی، از این نهاد برای کاستن از مجازات‌ها و اتهام‌های متهمان استفاده شده است. در سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی

۱. برای اطلاع بیشتر از مزایای معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی ر.ک: قریشی محمدی و مؤمنی، ۱۳۹۵: ش ۷/۱۳۱-۱۳۶.

مانند دادگاه فوق‌العاده کامبوج، یا به این نهاد اشاره نشده و یا مانند دادگاه ویژه سیرالئون به رغم تصریح به این نهاد در قواعد آیین دادرسی، در عمل از آن استفاده نشده است. اینک با توجه به استفاده از این نهاد در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یادشده، سؤال این است که شرایط استفاده از معامله اتهام در این دادگاه‌ها چیست؟ در صورت حصول توافق بین دادستان و متهم، آیا دادگاه‌های یادشده ملزم به تبعیت از این توافق هستند؟ آیا دادگاه باید امور موضوعی مورد توافق طرفین را بپذیرد یا اینکه رأساً تحقیقات جداگانه یا بیشتری را در راستای ادله تکمیلی آن انجام دهد؟

با توجه به تصریح به این نهاد در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مذکور و بازتاب متفاوت این نهاد در این دادگاه‌ها، این مقاله به دنبال آن است که ضمن تمرکز بر روی عملکرد این محاکم در برخورد با معامله اتهام، به بررسی شرایط و آثار این نهاد در دادگاه‌های مذکور بپردازد. به دنبال ایجاد دیوان کیفری بین‌المللی، این دیوان نیز در اساسنامه خود به شرایطی اشاره نموده که می‌تواند حاکی از پذیرش معامله اتهام باشد که در رویه دیوان هم مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین در این مقاله با استناد به اساسنامه، قواعد آیین دادرسی و رویه قضایی آن دسته از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که از این نهاد برای رسیدگی به اتهام ارتکاب جرایم بین‌المللی استفاده نموده‌اند، به بررسی شرایط و آثار معامله اتهام در هر یک از دادگاه‌های مذکور پرداخته خواهد شد.

۱. شرایط و آثار معامله اتهام^۱ در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی

معامله اتهام در ابتدای تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، در اساسنامه و قواعد آیین دادرسی و ادله آن پیش‌بینی نشده بود. در واقع در ابتدای تأسیس این دادگاه، تصور بر این بود که به دلیل شدت جرایم بین‌المللی و تعداد اندک متهمان، دادگاه نیازی به این نهاد جهت تسریع روند رسیدگی‌ها و کاستن هزینه‌ها نمی‌یابد. یکی دیگر از دلایل عدم پیش‌بینی این نهاد در قواعد آیین دادرسی این دادگاه این بود که اغلب دادستان‌های دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی از کشورهای نظام حقوق نوشته

1. Guilty pleas.

بودند؛ کشورهایی که معامله اتهام در نظام قضایی آن‌ها چندان مورد استقبال قرار نگرفته است (Combs, 2006: 84).

اما با طولانی شدن روند رسیدگی‌ها در دادگاه و عدم رضایت شورای امنیت از این روند و بالا رفتن هزینه‌های دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و رواندا، رویکرد حاکم تغییر نمود؛^۱ به طوری که هر دو دادگاه جهت تسریع امور و به اتمام رساندن پرونده‌ها، راهکارهای جدیدی را تعبیه نمودند که از جمله آن‌ها استفاده از معامله اتهام بود.

۱-۱. شرایط معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی

گرچه در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، معامله اتهام پیش‌بینی نشده است، در قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه در سال ۱۹۹۷ مقررهای اضافه شد که دال بر پذیرش معامله اتهام است؛ قاعده‌ای که برگرفته از رویه قضایی این دادگاه است.^۲ به موجب ماده ۶۲ مکرر اول که در سال‌های ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ اصلاح شده است:

اگر متهم مطابق با ماده (۶) ۶۲ اتهام‌های خود را بپذیرد یا درخواست تغییر اتهام‌های وارده را دهد، شعبه بدوی احراز می‌نماید که: ۱- معامله اتهام ارادی بوده است؛ ۲- معامله اتهام آگاهانه بوده است؛ ۳- معامله اتهام مبهم نباشد؛ ۴- دلایل عینی کافی برای جرم و مشارکت متهم در آن وجود داشته باشد یا دلایل مبتنی بر قراین مستقل و

۱. دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا به دنبال تصویب استراتژی تکمیل توسط شورای امنیت موظف شد که تا سال ۲۰۰۴ تمام تحقیقات و تا پایان سال ۲۰۰۸ تمام محاکمات و تا پایان سال ۲۰۱۰ تمام تجدیدنظرخواهی‌ها را به اتمام برساند.

۲. این قاعده بعد از صدور رأی دادگاه در پرونده اردمویچ در سال ۱۹۹۷ که برای معامله اتهام سه شرط قائل شده بود، وارد قواعد آیین دادرسی دادگاه یوگسلاوی شد. این قاعده در سال ۱۹۹۸ بعد از صدور رأی دادگاه در پرونده جلیسیچ مورد بازنگری قرار گرفت (Davies, 2002: 12). به نظر می‌رسد که این شروط، از نظام حقوقی آمریکا وارد اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی شده است. به منظور تضمین یک معامله اتهام معتبر در آمریکا، چنین معامله‌ای در وهله اول باید ارادی باشد و متهم از نتیجه پذیرش اتهام‌های وارده آگاه بوده باشد؛ دوم اینکه معامله اتهام نباید در نتیجه تهدید به دست آمده باشد، بلکه تنها عوضی که می‌توان در برابر معامله اتهام از آن بهره‌مند شد، تخفیف در مجازات است. شروط فوق در پرونده «بردی علیه ایالات متحده» (Brady v. United States) توسط دیوان عالی ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۷۰ مقرر شده است (Sungi, 2015: 23-24). به موجب بند ب ماده ۱۱ قواعد آیین دادرسی کیفری فدرال ایالات متحده آمریکا، در یک معامله اتهام علاوه بر ارادی بودن و آگاهانه بودن، دادگاه باید احراز نماید که وقایع عینی، از موضوع اتهام حمایت می‌نمایند (Federal Rules of Criminal Procedure).

یا فقدان تناقض بین طرفین درباره وقایع پرونده وجود داشته باشد. شعبه بدوی ممکن است حکم بر محکومیت صادر نماید و دستور به تعیین تاریخی برای برگزاری جلسه تعیین مجازات دهد (ICTY Rules of Procedure and Evidence, Rule 62 bis).

اولین پرونده‌ای که طی آن، متهم در دادگاه یوگسلاوی اتهام‌های وارده را پذیرفت، پرونده اردمویچ است؛ سربازی که در ارتش صرب‌های بوسنی در کشتار ۷ هزار مسلمان بوسنیایی در جولای ۱۹۹۵ مشارکت داشت. اردمویچ ابتدا در سال ۱۹۹۶ نزد دادگاه حضور یافت و از همان ابتدا، اتهام جنایت علیه بشریت را پذیرفت. بر این اساس، دادگاه بدوی ضمن پذیرش معامله اتهام، وی را به اتهام جنایات علیه بشریت به ۱۰ سال حبس محکوم نمود (Prosecutor v. Drazen Erdemovic, 1996: paras. 10-21). اما در پی تجدیدنظرخواهی وی، دادگاه تجدیدنظر به دلیل اینکه معامله اتهام وی آگاهانه نبوده و در واقع متهم بلافاصله و بی هیچ اطلاعی از آثار و نتایج پذیرش اتهام جنایات علیه بشریت، اتهام وارده را پذیرفته، ضمن رد معامله اتهام، پرونده را برای رسیدگی مجدد به شعبه دیگر هم‌عرض دادگاه بدوی ارجاع داد (Prosecutor v. Drazen Erdemovic, 1997: para. 20). دادگاه بدوی دوم ضمن توضیح در باب آثار و نتایج معامله اتهام، به اردمویچ فرصت معامله دیگری داد و متهم این بار با پذیرش اتهام نقض قوانین و عرف‌های جنگی (جنایات جنگی) به ۵ سال حبس محکوم شد (Prosecutor v. Drazen Erdemovic, 1998: para. 23). نکته جالب توجه در رد معامله اتهام اول، در بی‌اعتباری آن به دلیل آگاهانه نبودن آن است. در واقع دادگاه ضمن معامله اتهامی که برای یک متهم به جرم بین‌المللی صورت می‌گیرد، خود را متعهد به رعایت حقوق متهم و اصول دادرسی منصفانه می‌داند. گوران جلیسیچ، متهم بعدی در دادگاه یوگسلاوی است که به موجب کیفرخواست صادره، به نسل‌کشی، نقض قوانین و عرف‌های جنگی و جنایات علیه بشریت متهم شده بود (Prosecutor v. Jelusic, 1999: para. 8). جلیسیچ اعلام نمود که حاضر به پذیرش اتهام نسل‌کشی نیست، اما اتهام جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی را می‌پذیرد (Ibid.: para. 11). دادگاه بدوی اعلام نمود که صرف معامله اتهام برای محکومیت متهم کفایت نمی‌نماید، بلکه دادگاه باید علاوه بر معامله اتهام، به دنبال ادله دیگری باشد که بتواند حکم صادره را بر اساس آن صادر نماید (Ibid.: paras. 25, 28). این امر در واقع

در راستای شرط چهارم ماده ۶۲ مکرر آیین دادرسی دادگاه در صحت معامله اتهام است. در نهایت، دادگاه ضمن اعلام براءت متهم نسبت به اتهام نسل کشی، وی را به اتهام جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت به ۴۰ سال حبس محکوم نمود (Ibid.: para. 139). دادگاه تجدیدنظر هم مجازات صادره را تأیید نمود (Prosecutor v. Jelusic, 2001). رأی صادره یکی از سنگین‌ترین مجازات‌های صادره از سوی دادگاه یوگسلاوی به رغم معامله اتهام صورت گرفته از سوی متهم بود. نکته رأی صادره در احراز تمامی شرایط لازم برای صحت یک معامله اتهام است. بنابراین از نظر دادگاه، صرف احراز ارادی بودن و آگاهانه بودن و صراحت داشتن معامله اتهام برای صحت آن کافی نیست، بلکه دادگاه به منظور پیشگیری از اقرارهای دروغ متهمان باید دلایلی در پرونده داشته باشد که در راستای تأیید موضوع اقرار متهم باشد. دادگاه در صورت احراز شرایط صحت معامله اتهام و پذیرش آن در یک پرونده، بلافاصله وارد مرحله تعیین مجازات می‌شود و در مجموع، یک حکم تعیین مجازات و محکومیت صادر می‌نماید.

۲-۱. آثار معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی

استیون تودوروویچ متهم دیگری است که در دسامبر ۲۰۰۰ اتهام‌های وارده را پذیرفت (Prosecutor v. Stevan Todorovic, 2001: para. 3) و به نظر می‌رسد اولین پرونده‌ای است که در دادگاه یوگسلاوی، معامله مجازات رسماً صورت پذیرفته است؛ زیرا دادستان برای اولین بار پیشنهاد اعمال مجازات مشخصی را به دادگاه ارائه می‌دهد. وی به همراه چهار متهم دیگر، به ارتکاب جرایم بین‌المللی از جمله جنایات علیه بشریت، نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو و نقض قواعد و عرف‌های جنگی متهم شده بود. گرچه سایر متهمان این پرونده معامله اتهام را نپذیرفتند، وی با دادستان وارد مذاکره شد و به یک توافق رسید که به موجب آن، وی یک فقره جنایت علیه بشریت آزار و اذیت را پذیرفت و متعهد شد که علیه همدستان خود شهادت دهد. با توجه به مشکلات حقوقی که در بحث بازداشت و استرداد وی به دادگاه یوگسلاوی وجود داشت، وی پذیرفت که از اقامه دعوی در رابطه با مشروعیت بازداشتش صرف‌نظر نماید. دادستان هم از سایر اتهام‌های وارده بر وی صرف‌نظر نمود و به دادگاه پیشنهاد مجازاتی بین ۵ تا

۱۲ سال حبس را داد. طرفین متعهد شدند که حکم صادره توسط دادگاه بدوی را پذیرفته و اقدام به تجدیدنظرخواهی ننمایند. در صورت عدم رعایت هر یک از مفاد این توافق توسط یکی از طرفین، معامله باطل شده و پرونده باید وارد سیر عادی محاکمه شود (Kovarovic, 2011: 286-287). در نهایت دادگاه متهم را به مجازات ۱۰ سال حبس محکوم نمود (Prosecutor v. Stevan Todorovic, 2001: paras. 115, 117). میزان مجازات صادره برای متهم در محدوده مجازات پیشنهادی دادستان قرار می‌گرفت که این به معنای تبعیت دادگاه از معامله دادستان با متهم بود.

میزان تأثیر معامله اتهام در دادگاه یوگسلاوی با توجه به مواد ۱۰۰ و ۱۰۱ آیین دادرسی دادگاه مشخص می‌شود. به موجب ماده ۱۰۱:

دادگاه در تعیین مجازات باید عوامل ذیل را مدنظر قرار دهد:

∴

۲- هر گونه کیفیات مخففه از جمله همکاری اساسی متهم با دادستان قبل یا بعد محکومیت....

بنابراین الزامی برای دادگاه در تبعیت از معامله اتهام و مجازات پیشنهادی دادستان وجود ندارد. ماده ۶۲ مکرر دوم قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی^۱ در بند الف خود ضمن اشاره به تکلیف دادستان مبنی بر پیشنهاد یک مجازات مشخص به دادگاه بر اساس معامله صورت گرفته، در بند ب نیز به این امر صراحت دارد:

دادگاه نباید به معامله مذکور در بند الف این ماده [معامله اتهام بین دادستان و متهم] ملزم باشد.

به موجب دو ماده مذکور دادگاه می‌تواند با توجه به شرایط خاص هر پرونده، متهم را به مجازات کمتر یا بیشتر از آنچه توسط دادستان پیشنهاد شده، محکوم نماید. پس در رابطه با اثر معامله اتهام باید گفت که تبعیت از معامله صورت گرفته برای دادگاه یوگسلاوی الزامی نیست. اما با وجود الزام آور نبودن معامله اتهام در دادگاه یوگسلاوی، بعد از معامله اتهام در پرونده تودوریچ، نه معامله اتهام دیگر هم صورت پذیرفت که

۱. این ماده در دسامبر سال ۲۰۰۱ به قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه یوگسلاوی اضافه شده است.

به موجب آن مجازات‌های بسیار کم پیشنهادی دادستان برای متهمان از سوی دادگاه یوگسلاوی مورد تبعیت قرار گرفت. اما از سال ۲۰۰۳ به بعد در پی انتقادهای وارده، پیشنهادهای دادستان مبنی بر اعمال مجازات‌های خفیف از سوی دادگاه یوگسلاوی مورد تبعیت قرار نگرفت. این خودداری نخستین بار در پرونده مومیر نیکولیچ صورت گرفت. به رغم پیشنهاد دادستان مبنی بر اعمال مجازات ۱۵ تا ۲۰ سال حبس، دادگاه بدوی وی را به ۲۷ سال حبس محکوم نمود. با تجدیدنظرخواهی متهم، دادگاه تجدیدنظر به دلیل معامله اتهام صورت گرفته، مجازات وی را به ۲۰ سال حبس کاهش داد (Drumbl, 2007: 165; Combs, 2006: 98). البته این تغییر رویکرد دادگاه در عدم تبعیت از پیشنهاد دادستان مبنی بر کاستن از مجازات‌ها طبق معامله صورت گرفته، در نهایت منجر به کاهش استقبال از معامله اتهام در دادگاه یوگسلاوی شد. متهمان ترجیح می‌دادند که به جای معامله اتهام از یک محاکمه منصفانه برخوردار شوند.

نکته دیگر اینکه با توجه به تنوع میزان مجازات‌های صادره از سوی دادگاه یوگسلاوی در پی معامله اتهام‌های صورت گرفته و تنوع اتهام‌های وارده به متهمان، امکان مقایسه دقیق و تعیین اینکه دقیقاً چه میزان تخفیف مجازات در ازای معامله اتهام صورت گرفته، امکان‌پذیر نیست؛ برای نمونه، رانکو سسیچ یک مأمور پلیس صرب بود که در پی معامله اتهام و اقرار به قتل ۱۰ زندانی و خشونت جنسی نسبت به ۲ نفر دیگر، به ۱۸ سال حبس محکوم شد (Prosecutor v. Cestic, 2004: para. 3, 13, 111). سسیچ یک مأمور زیردست گوران جلیسیچ بود که قبلاً در رابطه با اتهام قتل ۱۳ نفر، ایراد صدمات جسمانی به ۴ نفر و سرقت اموال زندانیان در همان اردوگاهی که سسیچ مرتکب جرم شده بود (اردوگاه لوکا)، با دادستان وارد معامله اتهام شده بود. با وجود این، وی به مجازات ۴۰ سال حبس یعنی مجازاتی بسیار شدیدتر از سسیچ محکوم شد (Prosecutor v. Jelusic, 1999: paras. 23). گرچه شدت مجازات جلیسیچ به دلیل سمت فرماندهی وی در قیاس با سسیچ تا حدی قابل توجیه است، اما باید توجه نمود که سسیچ خود مباشر جرایم ارتكابی یعنی قتل ۱۰ زندانی و اعمال خشونت جنسی نسبت به ۲ بزه‌دیده بوده است. در عین حال می‌توان این مجازات‌ها را با مجازات ۱۰ سال حبس میروسلاو درونجیچ مقایسه نمود، وی یک فرمانده غیر نظامی بوده که از طریق

اقدامات مجرمانه جمعی، دستور نابودی روستای گولگوا را داده بود که طی آن ۶۴ مسلمان بوسنیایی غیر نظامی کشته شدند و بسیاری از آنان وادار به کوچ اجباری شدند. دادگاه بدوی طبق معامله اتهام صورت گرفته با دادستان، وی را تنها به مجازات ۱۰ سال حبس محکوم نمود (Prosecutor v. Miroslav Deronjic, 2004: 77) که به تأیید دادگاه تجدیدنظر هم رسید (Prosecutor v. Miroslav Deronjic, 2005: para. 151)؛ مجازاتی که با توجه به اتهام‌های وارده بسیار خفیف به نظر می‌رسد (Drumbl, 2007: 166). مقایسه میزان مجازات جلیسیچ (به اتهام قتل ۱۳ نفر) با درونجیچ (به اتهام قتل ۶۴ نفر) در حالی که هر دو از سمت فرماندهی برخوردار بوده‌اند، می‌تواند بیانگر عمق تشتت و ناهماهنگی در آرای دادگاه در میزان اعتباربخشی به معامله اتهام‌های صورت گرفته باشد.^۱

۲. شرایط و آثار معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا

دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا هم به رغم مقاومت‌های اولیه، تحت فشارهای شورای امنیت جهت تسریع رسیدگی به پرونده‌ها قرار گرفت و از این رو، مقرره‌ای مشابه دادگاه یوگسلاوی را در رابطه با معامله اتهام، به قواعد آیین دادرسی و ادله خود اضافه کرد.^۲

۱. در حال حاضر حدود ۲۰ متهم، از معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی استفاده نمودند (برای اطلاع بیشتر از پرونده‌ها ر.ک: <http://www.icty.org/en/cases/guilty-pleas>).
۲. فرایند مشابهی هم در دادگاه ویژه سیرالئون وجود داشت، به طوری که این دادگاه با اصلاح قواعد آیین دادرسی و ادله خود در سال ۲۰۰۴، معامله اتهام را در ماده ۶۲ خود درج نمود. این ماده عیناً مشابه متن ماده (ب) ۶۲ قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا می‌باشد (Rules of Procedure and Evidence, Special Court for Sierra Leone, Rule 62). با وجود تصریح به معامله اتهام در قواعد آیین دادرسی این دادگاه، در رویه قضایی این دادگاه و در رابطه با اتهام ارتکاب جرائم بین‌المللی، به دلیل عدم استقبال متهمان از این نهاد استفاده نگردید. البته تقسیم کار بین دادگاه ویژه سیرالئون و کمیسیون حقیقت و سازش این کشور نیز دلیل بر عدم استقبال از این نهاد در دادگاه ویژه سیرالئون بود. دادگاه ویژه سیرالئون تنها به جرائم تعدادی انگشت‌شمار از مهم‌ترین عاملان جرائم بین‌المللی در جنگ داخلی این کشور رسیدگی نمود. در مقابل کمیسیون حقیقت و سازش این کشور بیش از ۸ هزار استشهادیه از بزه‌دیدگان و بزه‌کاران و شهود در رابطه با جرائم ارتكابی در دوران جنگ داخلی این کشور جمع‌آوری نمود. کمیسیون حقیقت و سازش این کشور در صورت پذیرش و اقرار به جرائم ارتكابی از سوی بزه‌کاران، بدون در نظر گرفتن مجازات و از طریق سایر راهکارهای غیر کیفری، سعی در ایجاد صلح و سازش بین طرفین جرائم ارتكابی می‌نمود که به نوعی تداعی‌کننده معامله غیر کیفری بین طرفین جرم ارتكابی است که جایگزین معامله اتهام شده است (سبحانی، ۱۳۹۶: ش ۱/۹۵-۹۶).

۱-۲. شرایط معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا

به موجب ماده (ب) ۶۲ قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه رواندا:

اگر یک متهم مطابق با ماده (۵) (الف) ۶۲ اتهام را بپذیرد یا درخواست تغییر اتهامش را نماید، شعبه بدوی باید احراز نماید که معامله اتهام: ۱- آزادانه و ارادی صورت پذیرفته است؛ ۲- آگاهانه بوده است؛ ۳- مبهم نباشد؛ ۴- مبتنی بر دلایل کافی از ارتکاب جرم و مشارکت متهم در آن، و یا قراین عینی یا فقدان تناقض اساسی بین طرفین در رابطه با وقایع پرونده باشد. شعبه بدوی ممکن است حکم بر محکومیت صادر نماید و دستور به تعیین تاریخی برای برگزاری جلسه تعیین مجازات دهد (ICTR Rules of Procedure and Evidence, Rule 62(B)).

شرایط اعتبار معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا عیناً همان شرایط دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی است. با وجود این تشابه شرایط، تجربه دادگاه رواندا در استفاده از معامله اتهام، متفاوت از دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی بود.

۲-۲. آثار معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا

جین کامباندنا نخست‌وزیر دولت موقت رواندا در زمان نسل‌کشی سال ۱۹۹۴ بود. بعد از بازداشت وی، مذاکراتی با دادستان جهت کاستن از میزان مجازات در ازای پذیرش اتهام‌های وارده صورت گرفت، اما گرچه وی تمام ۶ فقره اتهام وارده یعنی اتهام‌های نسل‌کشی، تبانی در ارتکاب نسل‌کشی، تحریک مستقیم و علنی به نسل‌کشی، مشارکت در نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت قتل عمد، و جنایت علیه بشریت نابودسازی را پذیرفت، دادستان در نهایت پیشنهاد مجازات حبس ابد یعنی شدیدترین مجازات ممکن در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا را برای وی نمود (Prosecutor v. Kambanda, 1998: paras. 3, 5-7, 60). با وجود این، دادستان از دادگاه خواست که در تعیین مجازات وی، معامله اتهام و همکاری کامل وی با دادستان در نظر گرفته شود، اما در نهایت دادگاه با لحاظ عوامل مشدده مانند سمت بالای حکومتی وی در دوران نسل‌کشی این کشور، به رغم وجود کیفیات مخففه جرم، وی را به مجازات حبس ابد محکوم نمود (Ibid.: paras. 60, 62). در واقع کامباندنا به رغم معامله اتهام، نتوانست به تخفیف مجازاتی دست یابد. البته در پاسخ باید گفت که با توجه به وجود مجازات

اعدام در نظام قضایی رواندا در آن زمان، وی در صورت محاکمه در دادگاه‌های داخلی رواندا، به احتمال زیاد با توجه به اتهام‌های وارده در معرض مجازات اعدام بود (Davies, 2002: 43). حکم صادره باعث شد که آینده هرگونه معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا با ابهام مواجه شود؛ زیرا کامباندرا در ازای همکاری و معامله‌اش هیچ چیز به دست نیاورده بود. این نمونه می‌تواند بیانگر تفاوت رویه دو دادگاه یوگسلاوی و رواندا در فرایند معامله اتهام باشد (Combs, 2006: 105; Drumbl, 2007: 168)؛ تفاوتی که سرنوشت معامله اتهام در این دو دادگاه را از هم متفاوت نمود و یکی از دلایل عدم استقبال از این نهاد در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا شد.

جرج روگیو یکی دیگر از متهمان دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا بود که به عنوان یک خبرنگار در رادیو آر.تی.ال.ام. فعالیت می‌کرد؛ رادیویی که طی بهار سال ۱۹۹۴ اقدام به تحریک مردم رواندا جهت کشتار توتسی‌ها نمود. به رغم مخالفت اولیه وی با معامله اتهام، در نهایت وی حاضر به معامله اتهام با دادستان شد و دو فقره اتهام تحریک مستقیم و علنی به نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت آزار و اذیت را پذیرفت. دادگاه با لحاظ کیفیات مخفیه‌ای مانند عدم مشارکت مستقیم متهم در نسل‌کشی و اظهار تأسف علنی وی، به رغم پیشنهاد ۲۰ سال مجازات حبس از سوی دادستان، به منظور تشویق سایر متهمان به پذیرش اتهام‌های وارده، وی را به ۱۲ سال حبس بابت جرایم ارتكابی محکوم نمود (Prosecutor v. Ruggiu, 2000: paras. 4, 10-12, 43, 55, 81). نکته جالب توجه این رأی آن است که به رغم پیشنهاد دادستان، دادگاه متهم را به مجازات کمتر از پیشنهاد دادستان محکوم نمود که می‌تواند دلیل بر غیر الزام‌آور بودن معامله اتهام برای دادگاه رواندا باشد. پال بیسنگیمانای یکی دیگر از متهمان دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا بود که دادگاه بعد از احراز شرایط، معامله اتهام او را پذیرفت و به اتهام جنایات علیه بشریت قتل عمد و نابودسازی محکوم شد (Prosecutor v. Paul Bisengimana, 2006: paras. 7, 62, 84-86). وی با توجه به سمتی که در دوران نسل‌کشی رواندا داشت، پذیرفت که به رغم مخالفت با کشتار توتسی‌ها، عملاً اقداماتی در راستای حمایت از آن‌ها صورت نداده و حضورش در هنگام حمله به کلیسای ماشا، اثر تشویقی برای عاملان این حمله داشته است (Ibid.: para. 39). به موجب معامله صورت گرفته، دادستان پیشنهاد مجازات حبس بین

۱۲ تا ۱۴ سال را برای متهم نمود. اما دادگاه بدوی با لحاظ کیفیات مخفیه از جمله عدم مشارکت مستقیم متهم در کشتارها و عوامل مشدده جرم به ویژه سمت بالای متهم و تعداد بالای قربانیان، معتقد به اعمال مجازات شدیدتر از پیشنهاد دادستان بود و وی را تنها به اتهام جنایت علیه بشریت نابودسازی، به ۱۵ سال حبس محکوم نمود (Ibid.: para. 203). در این پرونده بر خلاف پرونده روگیو، دادگاه تشخیص داد که مجازات پیشنهادی دادستان خفیف است. بنابراین ضمن احراز شرایط صحت معامله اتهام، از مجازات پیشنهادی ضمن این معامله تبعیت نکرد و برای آن اثر الزام‌آور قائل نشد. در واقع، قواعد آیین دادرسی دو دادگاه یوگسلاوی و رواندا، اختیار تفکیک بین قسمت‌های مختلف معامله اتهام را برای دادگاه قائل شده‌اند. به عبارتی دادگاه بعد از احراز شرایط صحت معامله اتهام، می‌تواند اقرار متهم را طبق معامله بپذیرد و آن‌ها را مستند صدور رأی خود مبنی بر محکومیت متهم قرار دهد، اما از پذیرش قسمت آثار آن یعنی مجازات پیشنهادی دادستان ضمن این معامله سر باز زند. این امر می‌تواند مغایر حقوق متهمانی باشد که اقرار خود را مشروط به تخفیف مجازات نموده‌اند.

یکی از مهم‌ترین موانع در راه استقبال از معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، عقاید شخصی متهمان بود؛ زیرا آنان جرایم اتهامی علیه خود را باور نداشتند و معتقد بودند که این کشتارها نه در نتیجه نسل‌کشی، بلکه به دلیل جنگ داخلی بین دولت هوتو و شبه‌نظامیان توتسی بوده است (Combs, 2006: 116-117). آن‌ها معتقد بودند که همه طرفین درگیری‌ها در این کشتارها مشارکت داشته‌اند، اما دادگاه بین‌المللی تنها اقدام به محاکمه یکی از طرفین درگیری‌ها نموده است. در واقع متهمان معتقد بودند که آن‌ها قربانیان عدالت فاتحان^۱ هستند. به همین دلیل با وجود فراهم

۱. به همین دلیل، مقاومت زیادی از سوی متهمان نسبت به پذیرش اتهام نسل‌کشی وجود داشت، به طوری که حاضر به اقرار و پذیرش اتهام نسل‌کشی در قیاس با سایر اتهام‌های وارده نبودند؛ برای نمونه، می‌توان به تغییر عنوان اتهام‌های وارده توسط دادستانی علیه پال بیسنگیماننا اشاره نمود (Prosecutor v. Paul Bisengimana, 2006: para. 7).

۲. تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا، بعد از شکست دولت متهم به نسل‌کشی در جنگ داخلی در این کشور و روی کار آمدن دولت توتسی بود. از این نظر همانند محاکم نورمبرگ و توکیو، حداقل به درخواست فاتحان جنگ (توتسی‌ها) ایجاد شد. از آنجا که صلاحیت این دادگاه محدود به نسل‌کشی‌های سال ۱۹۹۴ بود، تمامی متهمان از قوم هوتو بودند (Alvarez, 1999: 394-395).

بودن شرایط معامله اتهام، متهمان دادگاه حاضر به پذیرش اتهام نسل کشی نبودند. گرچه ایراد عدالت فاتحان نسبت به دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی هم وجود دارد، اما وضعیت دادگاه کیفری بین‌المللی روآندا از این جهت تفاوت دارد که در این دادگاه اغلب متهمان از مقام‌های عالی‌رتبه حکومتی بودند که پذیرش این اتهام منجر به از بین رفتن اعتبارشان در بین حامیان آن‌ها می‌شد.^۱ افزون بر اینکه به دلیل تعداد بالای متهمان در نسل کشی روآندا، بین دادگاه بین‌المللی و نظام قضایی داخلی روآندا یک تقسیم کار صورت گرفت؛ به طوری که رسیدگی به اتهام‌های مقام‌های عالی‌رتبه در دادگاه بین‌المللی، و رسیدگی به اتهام‌های دیگران در نظام قضایی داخلی این کشور صورت گیرد. از جمله یکی از سازوکارهای داخلی این کشور، احیای سازوکار گاجاچا بود که در آن نیز از معامله اتهام استفاده گردید و اتفاقاً در قیاس با دادگاه کیفری بین‌المللی روآندا با استقبال بیشتر متهمان مواجه شد (سبحانی، ۱۳۹۵: ش ۱۶/۱۷-۱۷). متهمانی که در سازوکار گاجاچا شرکت داشتند، تمایل بیشتری به پذیرش اتهام‌های خود در مقایسه با متهمانی داشتند که در یک نظام قضایی ترافیعی محاکمه می‌شدند. یکی از دلایل این امر، قابلیت پیش‌بینی دقیق‌تر میزان تخفیف مجازات در این سازوکار بود. در راستای دلیل اخیر می‌توان به الزامی نبودن پیشنهادهای دادستان برای دادگاه کیفری بین‌المللی روآندا در تعیین میزان مجازات اشاره نمود که بند ب ماده ۶۲ مکرر قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه، این موضوع را تأیید می‌کند:

دادگاه نباید به معامله مذکور در بند الف این ماده [معامله اتهام بین دادستان و متهم] ملزم باشد.

همچنین ماده ۱۰۱ قواعد آیین دادرسی و ادله دادگاه اعلام می‌دارد:

دادگاه باید سایر عوامل را هم مد نظر قرار دهد، مانند:

⋮

۳- کیفیات مخففه از جمله همکاری اساسی متهم با دادستان قبل یا بعد محکومیت....

۱. دادگاه کیفری بین‌المللی روآندا، ۹۳ متهم را تحت تعقیب قرار داد که اغلب مقام‌های عالی‌رتبه حکومتی دولت پیشین این کشور بودند. در مقابل، دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، ۱۶۰ متهم را تحت تعقیب قرار داد که از این تعداد، ۲۰ نفر حاضر به معامله اتهام با دادگاه شدند (برای اطلاع بیشتر ر.ک: <<http://www.icty.org/en/about>>; <<http://unictr.unmict.org/en/tribunal>>).

در واقع از نظر دادگاه، معامله اتهام باید در پرتو سایر کیفیات مخففه و مشدده جرم مدنظر قرار گیرد. بنابراین این امکان وجود دارد که به رغم معامله اتهام، نهایتاً به دلیل سایر عوامل مشدده جرم، هیچ تخفیف مجازاتی عاید متهم نشود؛ همان گونه که در پرونده جین کامبندا و پرونده پال بیسنگیماننا چنین اتفاقی رقم خورد.

۳. شرایط و آثار معامله اتهام در هیئت‌های ویژه تی مور شرقی

در پی وقوع درگیری‌های شدید از سوی شبه‌نظامیان مخالف استقلال تی مور شرقی و وقوع جرایم بین‌المللی در این منطقه، دولت انتقالی سازمان ملل اقدام به تشکیل کمیسیون‌های حقیقت و سازش به منظور استماع جرایم کوچک‌تر^۱ و تشکیل هیئت‌های ویژه جرایم سنگین برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی مانند نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایات جنسی و شکنجه نمود. هیئت‌های ویژه به موجب قسمت ۱۰ از مقررات شماره ۲۰۰۰/۱۱ دولت انتقالی سازمان ملل در منطقه دیلی تشکیل شدند. این هیئت‌ها موفق به صدور حکم محکومیت برای ۸۵ نفر از متهمان شدند.^۲

۳-۱. شرایط معامله اتهام در هیئت‌های ویژه تی مور شرقی

پذیرش اتهام در قسمت (الف) ۲۹ از مقررات شماره ۲۰۰۰/۳۰ هیئت‌های ویژه پیش‌بینی شده است. به موجب آن:

(۱) (الف) ۲۹- جایی که متهم نزد قاضی تحقیق یا نزد یک قاضی دیگر یا هیئت در هر زمانی قبل از تصمیم نهایی در پرونده، اتهام‌های وارده را می‌پذیرد، دادگاه یا قاضی که نزد وی پذیرش اتهام صورت گرفته، باید احراز نماید که آیا: الف) متهم ماهیت و نتایج پذیرش اتهام را درک نموده است؛ ب) پذیرش اتهام توسط متهم بعد از مشاوره با وکلای مدافع به صورت ارادی صورت گرفته است؛ ج) پذیرش اتهام به موجب وقایع پرونده حمایت می‌شود که شامل: ۱- اتهام‌های وارده در کیفرخواست و پذیرفته‌شده توسط متهم است؛ ۲- هر گونه ادله ارائه‌شده توسط دادستان که در راستای حمایت از کیفرخواست صادره است و توسط متهم پذیرفته شده است؛ ۳- هر

۱. برای اطلاع بیشتر از نحوه عملکرد کمیسیون‌های حقیقت و سازش تی مور شرقی، ر.ک: سبجانی، ۱۳۹۶: ش ۱.

2. <<http://www.cavr-timorleste.org/en/reconciliation.htm>>.

ادله دیگری مانند شهادت شهود که توسط دادستان یا متهم ارائه شده است...
(Transitional Rules of Criminal Procedure, Rule 29(A)).

اولین تفاوت اساسنامه یادشده با دو دادگاه قبلی، در تغییر عنوان معامله اتهام است؛ به طوری که به جای واژگان معامله اتهام، از واژگان پذیرش اتهام سخن گفته شده است. همچنین با توجه به شرایط مذکور در اساسنامه هیئت‌های تی‌مور شرقی و بر خلاف دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، سه شرط برای صحت یک معامله اتهام ذکر شده است. در واقع شرط مبهم نبودن معامله اتهام، در شرط دوم و سوم ادغام شده است. جوا فرناندز ۲۲ ساله، اولین متهمی بود که در تحقیقات مقدماتی، اتهام یک فقره قتل عمد مندرج در مقررات ۲۰۰۰/۱۵ دولت انتقالی و ماده ۳۴۰ قانون مجازات اندونزی را پذیرفت (Prosecutor v. Fernandes, 2001: paras. 6, 7). با احراز شرایط معامله اتهام طبق قسمت (الف) ۲۹ مقررات ۲۰۰۰/۳۰، هیئت ویژه معامله اتهام وی را طبق کیفرخواست صادره پذیرفت. البته دادستان در توجیه کاهش اتهام‌های وارده اعلام نمود که ادله دیگری برای اثبات سایر اتهام‌های وارده نیافته است و با توجه به بازداشت متهم به منظور تسریع در اجرای عدالت، این معامله اتهام را با متهم انجام داده است. هیئت نیز با احراز این شرایط که معامله اتهام، آگاهانه، ارادی و بدون ابهام بوده و ادله موجود در پرونده از اتهام‌های وارده حمایت می‌نمایند، این معامله را تأیید نمود (Ibid.: paras. 5, 6, 7). در واقع در اینجا یک معامله اتهام به معنای خاص کلمه صورت گرفته و از برخی اتهام‌های وارده به دلیل فقدان ادله کافی صرف نظر شده است. دادگاه نیز با توجه به عدم امکان دسترسی به ادله جدید، صحت معامله اتهام را احراز نموده است.

۲-۳. آثار معامله اتهام در هیئت‌های ویژه تی‌مور شرقی

در رابطه با آثار معامله اتهام به موجب مقررات شماره ۲۰۰۰/۳۰ هیئت‌های ویژه اعلام شده است:

- (۲) الف) ۲۹- در صورتی که دادگاه به این نتیجه رسید که شرایط مذکور در
(۱) الف) ۲۹ اثبات شده‌اند، دادگاه باید پذیرش اتهام را توأم با هر ادله دیگری که ارائه شده، مدنظر قرار دهد تا وقایع اساسی را برای اثبات جرمی که نسبت به آن اقرار صورت گرفته، احراز نماید و ممکن است که متهم را به آن جرم محکوم کند.

(۳)(الف)۲۹- در صورتی که دادگاه به این نتیجه رسید که شرایط مذکور در (۱)(الف)۲۹ اثبات نشده‌اند، باید پذیرش اتهام را نادیده انگارد و دستور به ادامه محاکمه طبق قواعد آیین دادرسی مقرر در این مقررات دهد.

(۴)(الف)۲۹- در صورتی که دادگاه بر این عقیده باشد که در راستای منافع عدالت، تحقیقات بیشتری از وقایع پرونده نیاز است، با ملاحظه منافع قربانیان ممکن است: الف) از دادستان درخواست ادله تکمیلی از جمله شهادت شهود داشته باشد یا ب) دستور به ادامه محاکمه طبق قواعد آیین دادرسی مقرر در این مقررات دهد که در این صورت باید پذیرش اتهام را نادیده انگارد.

(۵)(الف)۲۹- هر گونه مذاکره‌ای بین دادستان و متهم در رابطه با تعدیل اتهام‌ها، پذیرش اتهام یا مجازات نباید برای دادگاه الزام‌آور باشد (Transitional Rules of Criminal Procedure, Rule 29(A)).

به موجب این ماده در صورتی که دادگاه شرایط لازم برای صحت معامله را احراز نکرد، باید پذیرش اتهام را نادیده گرفته و دستور به ادامه محاکمه دهد و یا در راستای منافع عدالت و منافع قربانیان، دستور به تکمیل تحقیقات مقدماتی توسط دادستان دهد. این قسمت از مقررات هیئت‌های ویژه، متفاوت از قواعد آیین دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و روانداسست و در واقع ضمانت اجرای عدم شرایط صحت معامله را مشخص نموده که بطلان معامله اتهام و دستور به انجام تحقیقات تکمیلی بیشتر و یا ادامه محاکمه طبق قواعد آیین دادرسی است. به عبارتی دیگر دادگاه نمی‌تواند اقرار متهم را مستند حکم محکومیت خود قرار دهد؛ زیرا این اقرار، شرایط لازم برای قابلیت استناد را ندارد. اما به موجب بند ۵ این ماده، تبعیت از توافق صورت گرفته بین دادستان و متهم در رابطه با نوع اتهام و یا میزان مجازات، برای دادگاه الزام‌آور نیست که از این جهت، مشابه قواعد آیین دادرسی دادگاه‌های یوگسلاوی و روانداسست.

نکته جالب توجه قبل از تعیین مجازات جوا فرناندنز، در نظر گرفتن کیفیات مخففه و مشدده جرم توسط دادگاه است. دادگاه ابتدا به عواملی چون قصد متهم برای کشتن پسر قربانی و قصد وی برای کشتن سایر مردان حامی استقلال تی مور شرقی در منطقه، و بیرون آوردن قربانی از پناهگاهش و کشتن وی در حضور دختران وی به عنوان عوامل مشدده اشاره می‌نماید و سپس به پذیرش علنی اتهام توسط متهم بلافاصله بعد از

بازداشتش و قول همکاری در رابطه با سایر متهمان و سن کم متهم در هنگام ارتکاب قتل و اینکه وی تحت دستور رهبران شبه‌نظامی بوده، به عنوان کیفیات مخففة جرم اشاره می‌نماید. در نهایت دادگاه با ملاحظه تمامی عوامل مذکور، متهم را به اتهام یک فقره قتل عمد به ۱۲ سال حبس و پرداخت هزینه‌های دادرسی کیفری محکوم می‌نماید (Prosecutor v. Fernandes, 2001: para. 21, section v). در واقع در اینجا همانند دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا، در نهایت این دادگاه است که با توجه به جمیع جهات پرونده، حکم به مجازات می‌دهد و الزامی به تبعیت از مجازات پیشنهادی دادستان ندارد. بعد از وی، متهمان دیگر از جمله سوارز، بره، دا کوستا و تاوارس هم از معامله اتهام برخوردار شدند و به ترتیب به ۱۵، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ سال حبس محکوم شدند. کار هیئت‌ها در سال ۲۰۰۵ به اتمام رسید. طبق اعلام هیئت‌های ویژه تی مور شرقی، حداقل ۵۰ درصد متهمان از فرایند معامله اتهام جهت رسیدگی به پرونده خود استفاده نموده‌اند (Combs, 2006: 127-138). اما جالب اینجاست که متهمان نزد این هیئت‌ها از همان ابتدا صرف نظر از بحث تخفیف مجازات، اتهام‌های وارده را می‌پذیرفتند. در واقع علت چنین استقبالی نه در مزیت کاهش مجازات، بلکه بخش عمده‌ای از آن به دلیل اعتقادات مردم این منطقه بود. مردم این منطقه معتقد بودند که در صورت ارتکاب خطا باید آن را بپذیرند و در صدد جبران آن برآیند تا بدین ترتیب ارواح درگذشتگان آن‌ها آرام گیرد. در غیر این صورت، امکان نزول بلاهای طبیعی و بدبختی برای آن‌ها وجود دارد. جبران جرایم ارتكابی، مستلزم پذیرش خطاهای ارتكابی، عذرخواهی و به دست آوردن رضایت قربانیان و خانواده‌های آن‌هاست. اغلب متهمان نزد این هیئت‌ها از مردم عادی بودند که خیلی از آن‌ها کشاورزان بی‌سواد بودند که درک درستی هم از معامله اتهام و فرایند تخفیف مجازات در ازای اقرار داوطلبانه نداشتند و در واقع معامله اتهام آن‌ها آگاهانه نبود. اما بر خلاف متهمان عالی‌رتبه در دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا که از پذیرش اتهام نسل‌کشی ابا داشتند، متهمان در این هیئت‌ها تفاوت بین انواع جرایم بین‌المللی را درک نمی‌کردند و یا این تفاوت‌ها برای آن‌ها از اهمیت چندانی برخوردار نبود (Ibid.: 130-134). درصد متهمانی که از این فرایند در تی مور شرقی استفاده نموده‌اند، بسیار بیشتر از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی و روانداست.

همچنین بنا بر اذعان کمیسیون حقیقت و سازش تی مور شرقی، از نهاد معامله اتهام در این کمیسیون هم برای جرایم کوچک‌تر استفاده شد که استقبال بسیار بیشتری در مقایسه با هیئت‌های ویژه از آن به عمل آمد و رسیدگی به ۱۳۷۱ پرونده از این طریق به اتمام رسید.^۱ در واقع می‌توان گفت که استفاده از معامله اتهام با توجه به شرایط فرهنگی جامعه تی مور شرقی، یکی از موفق‌ترین تجارب جامعه بین‌المللی بوده است.

۴. شرایط و آثار معامله اتهام در دیوان کیفری بین‌المللی

در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بر خلاف دادگاه‌های یوگسلاوی و رواندا و سیرالئون، از اصطلاح معامله اتهام^۲ استفاده نشده است. بنابراین برخی بر این باورند که دیوان، معامله اتهام را صراحتاً در اساسنامه خود نپذیرفته است، بلکه تنها به حق دیوان برای ملزم نبودن به چنین معامله‌ای اشاره نموده است (Kovarovic, 2011: 284). با وجود این، به نظر می‌رسد که ماده ۶۵ اساسنامه دیوان، ناظر به این موضوع باشد و تنها از واژگان متفاوتی استفاده شده است.

۴-۱. شرایط معامله اتهام در دیوان کیفری بین‌المللی

به موجب ماده ۶۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی:

- ۱- جایی که متهم طبق بند ۸(الف) ماده ۶۴ اتهام خود را بپذیرد، شعبه بدوی باید احراز نماید: الف) آیا متهم ماهیت و آثار پذیرش اتهام را درک نموده است؛ ب) آیا پذیرش اتهام توسط متهم بعد از مشاوره کافی با وکلای مدافعش به صورت ارادی صورت پذیرفته است؛ ج) آیا پذیرش اتهام با وقایع مندرج در پرونده حمایت می‌شود؛
۱. اتهام‌ها توسط دادستان وارد شده و توسط متهم پذیرفته شده باشد؛ ۲. تمام اطلاعات ارائه شده توسط دادستان در راستای تأیید اتهام‌های وارده باشد و متهم پذیرفته باشد؛
۳. ادله دیگر مانند شهادت شهود، توسط دادستان یا متهم ارائه شده باشد.

برخی بر این باورند که اساسنامه دیوان همانند مقررات شماره ۲۰۰۰/۳۰ هیئت‌های

1. <<http://www.cavr-timorleste.org/en/reconciliation.htm>>.

2. Guilty plea.

ویژه‌تی مور شرقی، عامدانه به جای واژگان معامله اتهام از پذیرش اتهام^۱ صحبت کرده است. در واقع پذیرش اتهام، اصطلاحی مختص کشورهای حقوق‌نویسته است که مستلزم بررسی دقیق‌تر تمام جرایم ارتكابی است. به همین دلیل است که در بند ج از شروط پذیرش اتهام، به این مطلب اشاره می‌شود که تمام اطلاعات دادستان باید در راستای تأیید اتهام‌های وارده باشد و ادله دیگری مانند شهادت شهود برای تأیید اتهام‌ها توسط دادستان ارائه شده باشد. در واقع دیوان نمی‌خواهد که استفاده از راهکار پذیرش اتهام، مانعی در راه مشارکت فعال قربانیان در فرایند رسیدگی باشد؛ زیرا عدم مشارکت قربانیان در فرایند رسیدگی، باعث سرخوردگی قربانیان و در نهایت از بین رفتن صلح پایدار در جامعه خواهد شد (Burens & Haag, 2013: 332). اتفاقاً شرایط معامله اتهام در دیوان هم حاکی از وجود سه شرط مشابه هیئت‌های تی مور شرقی است که با توجه به زمان تصویب مقررات هیئت‌های تی مور شرقی در سال ۲۰۰۰ به نظر می‌رسد که سازمان ملل در تدوین این مقررات از اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مصوب ۱۹۹۸ الهام گرفته است.

نگاهی به مذاکرات مقدماتی تدوین اساسنامه دیوان حاکی از آن است که پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در رابطه با اساسنامه دیوان، پیشنهاد درج ماده‌ای مبنی بر معامله اتهام را ارائه نموده بود. کمیسیون در گزارش خود به تفاوت‌های بین دو نظام حقوقی کامن‌لا و حقوق‌نویسته در رابطه با جایگاه معامله اتهام اشاره نموده است که به تفاوت‌های سنتی بین این دو نظام در ماهیت آیین دادرسی کیفری آن‌ها برمی‌گردد. اگر دادرسی کیفری برای احراز وقایع ارتكابی باشد، به تبع آن، نظام دادرسی کیفری، تفتیشی است و معامله اتهام هیچ جایگاهی در آن نخواهد داشت. اما اگر دادرسی کیفری اساساً ترافعی و اتهامی باشد و حکم صادره وجه مصالحه بین طرفین دعوی باشد، معامله اتهام در آن موجه و منطقی خواهد بود. اصطلاح پذیرش اتهام در مذاکرات مقدماتی تدوین اساسنامه دیوان، بنا به پیشنهاد دولت آرژانتین و به عنوان یک راهکار بینابین جهت ایجاد توافق بین کشورهای نظام حقوق‌نویسته و کامن‌لا، وارد ماده ۶۵ اساسنامه دیوان شد (Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, 2016: paras. 22-24).

1. Admission of guilt.

۲-۴. آثار معامله اتهام در دیوان کیفری بین‌المللی

به موجب ادامه ماده ۶۵ اساسنامه دیوان:

- ۲- در صورتی که دیوان به این نتیجه رسید که شرایط مذکور در بند ۱ اثبات شده‌اند، باید پذیرش اتهام را توأم با هر ادله دیگری که ارائه شده، مدّ نظر قرار دهد تا وقایع اساسی را برای اثبات جرمی که نسبت به آن اقرار صورت گرفته، احراز نماید و ممکن است که متهم را به آن جرم محکوم نماید.
- ۳- در صورتی که دیوان به این نتیجه رسید که شرایط مذکور در بند ۱ اثبات نشده‌اند، باید پذیرش اتهام را نادیده انگارد و دستور به ادامه محاکمه طبق قواعد آیین دادرسی مقرر در اساسنامه دهد و ممکن است که پرونده را به شعبه‌ای دیگر ارجاع دهد.
- ۴- در صورتی که دیوان بر این عقیده باشد که در راستای منافع عدالت، تحقیقات بیشتری از وقایع پرونده نیاز است، به ویژه با ملاحظه منافع قربانیان ممکن است: الف) از دادستان درخواست ادله تکمیلی از جمله شهادت شهود داشته باشد یا ب) دستور به ادامه محاکمه طبق قواعد آیین دادرسی مقرر در این اساسنامه دهد که در این صورت باید پذیرش اتهام را نادیده انگارد و ممکن است که پرونده را به شعبه‌ای دیگر ارجاع دهد.
- ۵- هر گونه مذاکره‌ای بین دادستان و متهم در رابطه با تعدیل اتهام‌ها، پذیرش اتهام یا مجازات نباید برای دیوان الزام‌آور باشد.

نگاهی به ماده مذکور، حاکی از شباهت بسیار آن با مقررات ماده ۲۹ هیئت‌های ویژه تی‌مور شرقی است. در واقع مباحث مربوط به آثار معامله اتهام در تی‌مور شرقی، در رابطه با دیوان هم قابلیت اعمال دارد. با وجود این، برخی معتقدند که (مفهوم مخالف) بند ۴ ماده فوق، بیانگر این تضمین برای متهمان است که اگر کل حقیقت جرایم ارتكابی را افشا نموده باشند، دیوان باید خود را ملزم به معامله بدانند. در غیر این صورت، دیوان نمی‌تواند به اقرار متهمان جهت محکومیت آن‌ها استناد نماید، اما خود را به مجازات پیشنهادی دادستان ملزم نداند (Burens & Haag, 2013: 332). گرچه این تفسیر می‌تواند در راستای حفظ حقوق متهمانی باشد که به امید برخورداری از تخفیف مجازات اقرار نموده‌اند، اما با توجه به بند ۵ ماده فوق، به نظر این ماده تاب چنین تفسیری را نداشته باشد؛ زیرا بند ۵ ماده ۶۵ اساسنامه دیوان همانند بند ۵ ماده ۲۹ مقررات هیئت‌های ویژه

تی مور شرقی، غیر الزام آور بودن پیشنهاد دادستان در رابطه با تعدیل اتهام‌ها یا مجازات‌ها را تصریح نموده است. به عبارتی دیوان تنها زمانی باید کل معامله اتهام را نادیده انگارد که از نظرش شرایط صحت اقرار متهم یعنی ارادی بودن، آگاهانه بودن و مغایر نبودن آن با وقایع اثبات نشود. در این صورت ضمانت اجرا بطلان کل معامله اتهام است. اما در صورت احراز شرایط صحت اقرار می‌تواند این اقرار را مستند محکومیت متهم قرار دهد، در حالی که با توجه به بند ۵ ماده فوق، هیچ الزامی به تبعیت از قسمت دوم معامله یعنی اتهام یا مجازات پیشنهادی دادستان ندارد. با وجود این و با توجه به رویه دیوان کیفری بین‌المللی در پرونده المهدی، گرچه متهم در توافق با دادستان از حق تجدیدنظرخواهی و اعتراض خود هم اعراض می‌نماید، این انصراف منوط به آن است که مجازات صادره بیشتر از مجازات پیشنهادی دادستان نباشد (Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, 2016: para. 30). با استناد به مفهوم مخالف این شرط، اگر مجازات صادره بیش از مجازات پیشنهادی باشد، برای متهم حق تجدیدنظرخواهی وجود خواهد داشت. این بند در عین حال بیانگر غیر الزام آور بودن مجازات پیشنهادی دادستان برای دیوان هم می‌باشد.

در واقع بند ۵ ماده ۶۵ اساسنامه دیوان به منظور رفع نگرانی‌های کشورهای نظام حقوق نوشته، وارد این ماده شده است تا پذیرش اتهام، مقدمه‌ای جهت ورود معامله اتهام در دیوان کیفری بین‌المللی نباشد. از نظر دیوان، پذیرش اتهام متفاوت از معامله اتهام است؛ زیرا ممکن است که پذیرش اتهام از سوی متهم در فقدان هر گونه توافق بین متهم و دادستان باشد. به عبارتی، پذیرش اتهام اعم از معامله اتهام است. با وجود این، اشاره به واژه مذاکره در بند ۵ ماده ۶۵ اساسنامه، بیانگر این است که منظور از پذیرش اتهام همان معامله اتهام است. در همین راستا، بند ۵ ماده ۶۵ با قائل شدن به اثر غیر الزام آور برای هر گونه توافق بین دادستان و متهم در رابطه با اتهام یا مجازات، سعی نموده نظر مساعد مخالفان معامله اتهام را در دیوان جلب نماید. در عین حال به دیوان اجازه بررسی سایر دلایل موجود در پرونده را می‌دهد. به این ترتیب، اگر دلایل دیگری در پرونده بر خلاف اقرار متهم وجود داشته باشند، دیوان نمی‌تواند به استناد پذیرش اتهام (اقرار)، محکومیت متهم را صادر نماید. وجود این شرایط، ماده ۶۵ اساسنامه دیوان را به نظام‌های حقوق نوشته که از دادرسی کیفری تفتیشی برخوردارند،

نزدیک می‌نماید (Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, 2016: paras. 25, 27).

البته با توجه به صلاحیت تکمیلی دیوان در مقایسه با دادگاه‌های پیشین، این اعتقاد وجود دارد که فرصت استفاده از معامله اتهام در دیوان بسیار کمتر باشد؛ زیرا دیوان تنها زمانی وارد رسیدگی می‌شود که دادگاه‌های داخلی، صلاحیت خود را برای رسیدگی به جرایم بین‌المللی اعمال نکرده باشند. در نتیجه بر خلاف دادگاه‌های پیشین، دیوان با حجم انبوه پرونده‌ها مواجه نخواهد شد که نهایتاً به دلیل ضرورت‌های زمانی و مالی بخواهد از معامله اتهام استفاده کند (Burens & Haag, 2013: 332). اما نگاهی گذرا به پرونده‌های دیوان کیفری بین‌المللی تا کنون حاکی از آن است که رسیدگی به هر یک از پرونده‌ها حداقل به مدت ۴ سال به طول انجامیده که این امر مستلزم هزینه بسیار بالایی برای دیوان است.^۱ بنابراین استفاده از معامله اتهام می‌تواند منجر به صرفه‌جویی در هزینه‌های دیوان و اختصاص بودجه آن به سایر موارد شود.

دیوان کیفری بین‌المللی نخستین بار در پرونده المهدی به ماده ۶۵ اساسنامه خود استناد نمود. پرونده المهدی یکی از پرونده‌های دیوان کیفری بین‌المللی در رابطه با وضعیت کشور مالی است که به دنبال خشونت‌های ارتكابی در این کشور در سال ۲۰۱۲ و بعد از به کنترل درآمدن بخش‌هایی از شمال این کشور (از جمله تیمبوکتو) به دست گروه‌های افراط‌گرای اسلامی انصار دین و القاعده، موضوع رسیدگی در دیوان قرار گرفت. این گروه‌ها در این منطقه اقدام به ایجاد یک دولت و محکمه و نیروی پلیس اخلاقی به نام حسبه جهت اجرای احکام شریعت اسلامی نمودند. المهدی نیز به عنوان یک کارشناس امور مذهبی به سمت مشاور محکمه و رئیس حسبه منصوب

۱. محاکمه لوبانگو در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۹ شروع شد و در ۱۴ مارس ۲۰۱۲ وی به اتهام ارتکاب جنایات جنگی و استفاده از کودک‌سربازهای زیر ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه، به مجموع ۱۴ سال حبس محکوم شد. محاکمه کاتانگا در ۲۴ نوامبر ۲۰۰۹ شروع شد. وی در ۷ مارس ۲۰۱۴ به اتهام یک فقره جنایت علیه بشریت و چهار فقره جنایت جنگی در جمهوری دموکراتیک کنگو به ۱۲ سال حبس محکوم شد. با توجه به توافق دادستانی و متهم مبنی بر انصراف از تجدیدنظرخواهی، حکم صادره قطعی است (این پرونده به طور ضمنی می‌تواند بیانگر توافق متهم و دادستانی باشد). محاکمه مبابا در ۲۲ نوامبر ۲۰۱۰ شروع شد و در ۲۱ مارس ۲۰۱۶ منجر به صدور حکم محکومیت وی به ۱۸ سال حبس شد. متهم دیگر انگوجولو چویی که در ۶ جولای سال ۲۰۰۷ برای وی قرار بازداشت صادر شده بود، نهایتاً در ۲۷ فوریه ۲۰۱۵ حکم دادگاه تجدیدنظر مبنی بر برائت وی صادر شد (<<https://www.icc-cpi.int/cases>>).

شد. تیمبوکتو از میراث غنی اسلامی برخوردار بوده و مساجد و آرامگاه‌های تاریخی آن همواره توسط مردم منطقه برای زیارت و نیایش مورد استفاده قرار می‌گرفت. از آنجا که به باور المهدی زیارت آرامگاه‌ها بر خلاف قواعد شریعت اسلامی بود، وی ابتدا تصمیم به جلوگیری از مراجعات مردم به این اماکن گرفت. اما به دلیل عدم موفقیت در این امر و به دستور رهبران گروه انصار دین و القاعده که با مشورت با المهدی (و البته مخالف اولیه وی) صورت گرفت، تصمیم به نابودسازی این اماکن مقدس گرفته شد؛ اماکنی که بسیاری از آن‌ها در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده بودند (Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, 2016: para. 39). المهدی به عنوان رئیس حربه، مأمور اجرای این دستورات گردید و شخصاً در مراحل نابودسازی این اماکن مشارکت نمود (Ibid.: para. 30-41).

در جریان محاکمه المهدی در دیوان کیفری بین‌المللی، وی بعد از مشاوره با وکلای خود، با دادستان وارد معامله شد و اتهام نابودسازی ۱۰ فقره از اموال تاریخی (که ۹ موردشان در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده بودند) مندرج در ماده ۸ اساسنامه دیوان (به عنوان جنایت جنگی) را پذیرفت. دیوان نیز به بررسی شرایط صحت معامله پرداخت و با احراز صحت آن و با استناد به پذیرش اتهام وی که با سایر ادله موجود در پرونده نیز حمایت می‌شد، حکم محکومیت وی را صادر نمود. دیوان با استناد به ماده (۵)(ه)(۲)۸، الف(۳)۲۵، و ۶۲(۲) اساسنامه، المهدی را به اتهام مشارکت جمعی در جنایت جنگی نابودسازی اماکن تاریخی و با توجه به پیشنهاد دادستان مبنی بر اعمال مجازاتی بین ۹ تا ۱۱ سال حبس، به ۹ سال حبس محکوم نمود (Ibid.: para. 109). با توجه به اینکه دیوان، وی را به مجازات مقرر در پیشنهاد دادستان محکوم نموده بود، وی دیگر از حق تجدیدنظرخواهی برخوردار نبود و حکم صادره قطعی تلقی گردید.

نتیجه‌گیری

جرایم بین‌المللی، جرایمی گسترده و سازمان‌یافته‌اند که اغلب در شرایط جنگی و یا بی‌ثباتی در کشورها ارتکاب می‌یابند. همین امر سبب می‌شود که در بسیاری موارد، اثبات آن‌ها سخت و یا حتی غیر ممکن باشد. همچنین باید به این مسئله توجه نمود که

در بسیاری از پرونده‌های جرایم بین‌المللی بعد از گذشت مدت زمان زیاد از وقوع جرم، امکان اجرای عدالت فراهم می‌شود. گذر زمان می‌تواند تأثیر سویی بر ادله اثبات جرایم داشته باشد. در عین حال در صورت دخالت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که در مکانی غیر از محل ارتکاب جرم ایجاد شده‌اند، تحقیق و اثبات این جرایم بسیار مشکل و هزینه‌بر می‌شود. علاوه بر مشکلات مالی، عدم اجرای عدالت بعد از گذشت مدت زمان طولانی، آن هم به دلیل ناکافی بودن ادله می‌تواند تأثیر سویی بر قربانیان و صلح و ثبات جامعه محل ارتکاب جرم داشته باشد. بنابراین دیوان کیفری بین‌المللی می‌تواند با استفاده از معامله اتهام و حفظ منابع مالی و زمانی، از این منابع جهت توسعه تحقیقاتش در سایر موارد ارتکاب جرایم بین‌المللی استفاده نماید.

به منظور جلوگیری از آثار سویی که معامله اتهام می‌تواند به دنبال داشته باشد، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به تبعیت از نظام‌های حقوقی داخلی (اعم از کامن‌لا و حقوق نوشته) شرایطی را برای معتبر شناختن یک معامله اتهام ذکر نموده‌اند. مقایسه این شرایط در این دادگاه‌ها حاکی از شباهت آن‌ها به یکدیگر است. دادگاه و یا دیوان بین‌المللی باید احراز نماید که معامله اتهام ارادی، آگاهانه و بدون ابهام صورت گرفته و هیچ اجبار و اکراهی مبنی بر اقرار متهم وجود نداشته و متهم از ماهیت و نتایج اقرار خود آگاهی داشته است. در عین حال به منظور جلوگیری از اقرار کذب متهمان، ادله موجود در پرونده باید از اتهام‌های موضوع اقرار متهم حمایت نمایند.

معامله اتهام توافقی است که بین دادستان و متهم در رابطه با نوع اتهام‌های وارده و یا میزان مجازات در ازای اقرار و پذیرش برخی اتهام‌های وارده صورت می‌گیرد. این دادگاه است که در نهایت باید حکم محکومیت متهم را صادر نماید. در واقع دادگاه ناظر بر احراز رعایت شرایط مقرر برای یک معامله اتهام معتبر است و هیچ الزامی برای دادگاه یا دیوان بین‌المللی در تبعیت از توافق صورت گرفته وجود ندارد. دادگاه می‌تواند در صورت عدم احراز شرایط مقرر، اعتبار معامله را رد نموده و در راستای منافع عدالت از دادستان درخواست انجام تحقیقات بیشتر و یا ادامه جریان محاکمه را بنماید. در نتیجه به رغم برخی ایرادهای وارده، با توجه به شرایط مقرر و آثار یک معامله اتهام برای دادگاه یا دیوان کیفری بین‌المللی، این نهاد در راستای اهداف حقوق کیفری بین‌المللی و اجرای عدالت می‌باشد.

کتاب‌شناسی

۱. جانی‌پور، مجتبی، «معامله اتهام»، *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، به کوشش امیرحسین نیازپور، تهران، میزان، ۱۳۹۶ ش.
۲. سبحانی، مهین، «ارزیابی سازوکارهای سنتی اجرای عدالت در جوامع انتقالی»، *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، دوره چهارم، شماره ۱۵، ۱۳۹۵ ش.
۳. همو، «سازوکارهای کارآمد و مشروع عدالت انتقالی»، *پژوهشنامه حقوق کیفری*، دوره هشتم، شماره ۱، ۱۳۹۶ ش.
۴. عباسیان، عطیه و حسن عالیپور، «ظرفیت‌های تعمیم نهاد معامله اتهام به نظام کیفری ایران»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ششم، شماره ۲، ۱۳۹۴ ش.
۵. قریشی محمدی، فاطمه‌السادات و مهدی مؤمنی، «جلوه‌های ترمیمی معامله اتهام در دادگاه کیفری بین‌المللی برای بوسگسلاوی سابق»، *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، دوره چهارم، شماره ۷، ۱۳۹۵ ش.
۶. مرادی، فرزانه، سید درید موسوی مجاب و اعظم عدالت‌جو، «معامله اتهامی در فرایند دادرسی کیفری با تأکید بر نظام حقوقی ایران»، *فصلنامه تحقیقات حقوقی آزاد*، دوره چهارم، شماره ۱۴، ۱۳۹۰ ش.
7. Alvarez, Jose E, "Crimes of States/Crimes of Hate: Lessons from Rwanda", *The Yale Journal of International Law*, Vol. 24, 1999.
8. Burens, Laura & Den Haag, "Plea Bargaining in International Criminal Tribunals: The End of Truth-Seeking in International Courts?", *Zeitschrift für Internationale Strafrechtsdogmatik*, ZIS 7-8/2013, Available at: <www.zis-online.com>.
9. Combs, Nancy Amoury, "Procuring Guilty Pleas for International Crimes: The Limited Influence of Sentence Discounts", *Vanderbilt Law Review*, Vol. 59(1), 2006.
10. Davies, Erin J., "Plea Bargaining: What Is It? Which Countries Allow It? and Does Is It a Mitigating Factor During Sentencing", *A Comparative Analysis of the Tribunals, Four Common Jurisdictions and Three Civil Law Jurisdictions, Memorandum for the Office of the Prosecutor at the International Criminal Tribunal for Rwanda*, Case Western Reserve University School of Law: International War Crimes Prosecution Project, 2002.
11. Drumbl, Mark A., *Atrocity, Punishment and International Law*, New York, Cambridge University Press, 2007.
12. Federal Rules of Criminal Procedure, Available at: <https://www.law.cornell.edu/rules/frcrmp/rule_11>.
13. ICTR Rules of Procedure and Evidence. Available at: <http://www.unict.org/tabid/95/default.aspx>.
14. ICTY Rules of Procedure and Evidence, Available at: <http://www.un.org/icty/legaldoc-e/index.htm>.
15. Kovarovic, Kate, "Pleading for Justice: The Availability of Plea Bargaining as a Method of Alternative Dispute Resolution at the International Criminal Court", *Journal of Dispute Resolution*, Vol. 2011(2), 2011.

16. Nicol LLB (Hons), Karen, *Plea Bargaining in International Criminal Courts: Dealing with Devil?*, Submitted in Fulfilment of the Requirements for the Degree of Master of Laws (LLM) by Research, School of Law, College of Social Sciences, University of Glasgow, 2016.
17. Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, Situation in the Republic of Mali, No. ICC-01/12-01/15, 27 September 2016.
18. Prosecutor v. Cestic, Case No. IT-95-10/1-S, Sentencing Judgment, 11 March 2004.
19. Prosecutor v. Drazen Erdemovic, Case No. IT-96-22-A, 7 October 1997.
20. Prosecutor v. Drazen Erdemovic, Case No. IT-96-22-T, Sentencing Judgment, 29 Nov. 1996.
21. Prosecutor v. Drazen Erdemovic, Case No. IT-96-22-Tbis, Sentencing Judgment, 5 March 1998.
22. Prosecutor v. Fernandes, Dili District Court, Special Panel for Serious Crimes, Case No. 01/00 C. G. 2000, Judgment, 25 Jan. 2001.
23. Prosecutor v. Jelusic, Case No. IT-95-10-A, Judgment, 5 July 2001.
24. Prosecutor v. Jelusic, Case No. IT-95-10-T, Judgment, 14 December 1999.
25. Prosecutor v. Kambanda, Case No. ICTR 97-23-S, Judgment and Sentence, 4 Sept. 1998.
26. Prosecutor v. Miroslav Deronjic, Case No. IT-02-61-A, Judgment on Sentence Appeal, 20 July 2005.
27. Prosecutor v. Miroslav Deronjic, Case No. IT-02-61-S, Sentencing Judgment, 30 March 2004.
28. Prosecutor v. Paul Bisengimana, Case No. ICTR-00-60-T, Judgment and Sentence, 13 April 2006.
29. Prosecutor v. Ruggiu, Case No. ICTR-97-32-I, Judgment and Sentence, 1 June 2000.
30. Prosecutor v. Stevan Todorovic, Case No. IT-95-9/1, Sentencing Judgment, 31 July 2001.
31. Rules of Procedure and Evidence, Special Court for Sierra Leone, Rule 62: Procedure upon Guilty Plea, (Amended on 31 May 2012).
32. Sungi, Simeon P., "Plea Bargaining in International Courts", *Journal of Theoretical and Philosophical Criminology*, Vol. 7(2), August 2015.
33. Transitional Rules of Criminal Procedure, UNTAET/REG/2000/30; 25 September 2000, As Amended by 2001/25; 14 September 2001, UNTAET/REG/2001/25, Section 2: On the Amendments of Reg. 2000/30, Rule 29(A), Available at: <www.un.org/en/peacekeeping/missions/past/etimor/untaetR/2001-25.pdf>.